

«علی اکبر حجار» هنرمند صاحب سبک دارالفنون

● نیایش پورحسن*

اشاره

از هنرمندان برجسته ایران دوره قاجار که در زمینه‌های مجسمه‌سازی، نقاشی و حجاری از سرآمدان زمانه خود بود و سرنوشتش به‌سان سایر هنرمندان آن دوران به محاق فراموشی سپرده شده، **علی اکبر حجار** است. **علی اکبر حجار** از هنرمندان متمایز و هنرمند صاحب سبک مدرسه دارالفنون است که در زمره قدیمی‌ترین هنرجویان و خلیفه‌های نقاشی مدرسه دارالفنون نیز محسوب می‌شود. درباره این هنرمند، به جز چند سطر کوتاه در تمام کتاب‌های تاریخ هنر ایران، تاکنون نوشته مبسوطی منتشر نشده و از این رو اساساً زندگی و کارنامه هنری وی ناشناخته باقی مانده است. امیدواریم با این مقاله، گوشه‌ای از زندگی و فعالیت‌های هنری او که تربیت یافته مدرسه دارالفنون است و تأثیرات بسیاری بر هنر حجاری در بعد از خود داشته روشن‌گری شود.

□ ورود

علی اکبر حجار، فرزند حاجی محمدعلی حجار طهرانی، در خانواده‌ای صنعتگر و هنرمند در تهران دیده به جهان گشود. شوربختانه تاکنون تاریخ تولد وی مشخص نشده است. او از قرار معلوم، مقدمات نقاشی را نزد صنایع‌الملک غفاری و اصول حجاری را نزد پدرش آموخت. هر چند کریم‌زاده تبریزی معتقد است که وی شاگرد اسماعیل جلایر بوده و در رقم تابلویی تمام‌قد از «ناصرالدین شاه با تبختر و غرور شاهانه» چنین امضا کرده است:

* پژوهشگر و از اعضای کانون نویسندگان و منتقدان خانه تئاتر ایران E-mail: cpourhassaniayesh@gmail.com

میرزا علی اکبر نقاش،
معروف به حجار،
تصویری از سنگ
در نهایت خوبی
تراشیده که
محل تعجب
نظارکیان
بوده است

«عمل بنده در گاه علی اکبر مصور، مشهور به حجار، شاگرد استادالمصورین، میرزا اسماعیل جلایر، سنه ۱۲۶۳ ق.» (کریم زاده تبریزی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۳۷۸).

کریم زاده تبریزی هیچ گونه مشخصات دقیقی از محل نگهداری این تابلو ارائه نداده است، اما به نظر می‌رسد که ایشان، هم در خوانش رقم تابلو و هم در مشخصات تابلو، دچار اشتباه شده باشد. زیرا اولاً ناصرالدین شاه در تاریخ مزبور ولیعهد بوده و به مقام پادشاهی نرسیده بود. از این رو علی اکبر حجار نمی‌توانسته او را با غرور شاهانه ترسیم کند. ثانیاً بعید به نظر می‌رسد که علی اکبر حجار در تاریخ مزبور هنوز متولد شده باشد یا حداقل به لحاظ سنی به دنیای هنر نقاشی و حجاری وارد شده باشد.

«با ورود مسیو کُنستان به ایران و احداث رشته نقاشی به تاریخ ۱۲۸۰ ق در مدرسه دارالفنون، علی اکبر حجار نیز به مدرسه دارالفنون وارد گردید و به‌عنوان خلیفه نقاشی در کنار میرزا جعفر نقاش و اسماعیل جلایر شروع به فراگیری نقاشی نمود. در ضمن، وی در این زمان در زمره مواجب‌بگیران آن مدرسه نیز محسوب می‌شد؛ چنانچه در تاریخ ۲۹ شعبان ۱۲۸۲ که ناصرالدین شاه از مدرسه دارالفنون بازدید نمود، علی اکبر حجار به دریافت مبلغی انعام سرفراز گردید» (روزنامه دولت علیه ایران، ۱۲۸۲ ق: ۴).

علی اکبر حجار که طی تحصیلات و فعالیت خود در مدرسه دارالفنون، در کنار فراگیری هنر نقاشی، به هنر حجاری و مجسمه‌سازی نیز می‌پرداخت، در همان دوران هنرجویی خود آثاری خلق کرد که در همان زمان مورد تحسین همگان واقع شدند. چنانچه در بازدیدی که ناصرالدین شاه از مدرسه دارالفنون به تاریخ دوشنبه ۵ شوال ۱۲۸۳ به‌عمل آورد، در این خصوص چنین گزارش شده است:

«میرزا علی اکبر نقاش، معروف به حجار، تصویری از سنگ در نهایت خوبی تراشیده که محل تعجب نظارکیان بوده، در خاک پای همایون شرف قبول یافته، مایه انبساط خاطر ملوکانه گردیده، مورد تحسین شاهانه واقع شد» (همان، ص ۳).

علی اکبر حجار در اواخر سال ۱۲۸۷ ق، به‌عنوان یکی از هنرجویان مدرسه دارالفنون به کرمانشاه مأمور شد تا از روی حجاری کوه بیستون روی سنگ‌های صاف مثنی‌برداری کند. چنانچه در گزارش سرکشی ناصرالدین شاه به مدرسه دارالفنون به تاریخ ۲۸ ذیحجه ۱۲۸۷ در این خصوص چنین نقل شده است:

«میرزا علی اکبر حجار که او نیز در مدرسه مبارکه به صنعت نقاشی و حجاری مشغول است مأمور شده در کوه بیستون کرمانشاهان از روی آن پرده‌ها در صفحه آن سنگ‌های صاف به خوبی و پاکیزگی حجاری نماید» (همان، ص ۲).

با وفات مسیو کُنستان در سال ۱۲۸۸ ق، میرزا علی اکبر خان نقاش باشی به‌عنوان معلم نقاشی مدرسه دارالفنون برگزیده شد. «در این دوره، علی اکبر حجار همچنان به‌عنوان

یکی از خلفای نقاشی مدرسه دارالفنون به فعالیت‌های هنری خود مشغول بود و در مراسم سلام مورخ شنبه ۲۰ شعبان ۱۲۸۸ به دریافت نشان مس قطعه و پنج تومان انعام از سوی ناصرالدین‌شاه سرافراز گردید» (همان، ص ۳).

«همچنین وی در مراسم سلام و امتحانات مدرسه دارالفنون که به تاریخ شنبه ۱۴ جمادی‌الاول ۱۲۹۷ برگزار شد، با عنوان میرزاعلی‌اکبر حجار به پانزده تومان انعام نائل شد» (روزنامه مریخ، ۱۲۹۷: ۴-۱).

از قرار معلوم، علی‌اکبر حجار در این سال‌ها بیشتر به خلق مجسمه‌هایی در ابعاد کوچک می‌پرداخته است. چنانچه در تاریخ سه‌شنبه ۲۱ ربیع‌الاول ۱۲۹۵ که ناصرالدین‌شاه از مدرسه دارالفنون بازدید کرد، درباره این مجسمه‌ها چنین گزارش شده است:

«میرزاعلی‌اکبر حجار که با گچ مجسمه‌های بسیار خوب ساخته بود، ملحوظ و مشهود گردیده مورد التفات همایون آمد.» (روزنامه ایران، ۱۲۹۵: ۲).

از مجسمه‌های وی در این دوره می‌توان به مجسمه کوچکی از گچ از پیکره و شمایل ناصرالدین‌شاه اشاره کرد که این مجسمه در سال ۱۳۳۵ق به موزه ملی که از سوی میرزاملیرزای قاضی‌خان ممتازالملک احداث گردید، اهدا شد (ممتازالملک، ۱۳۳۵ق: ۵۷). متأسفانه از سرنوشت این مجسمه تاکنون اطلاعی در دست نیست.

همچنین علی‌اکبر حجار مجسمه دیگری با سنگ مرمر از پیکره و شمایل ناصرالدین‌شاه ساخته است که زمانی در تصرف استاد علی رُخساز بود (سپهر، ۱۳۴۱: ۵۳۰-۵۲۹). از سرنوشت این مجسمه نیز تاکنون اطلاعی در دست نیست.

از دیگر آثار وی می‌توان به تصویر حجاری‌شده ناصرالدین‌شاه اشاره کرد که روزگاری در آرامگاه این پادشاه در شهر ری محفوظ بود (ادیب برومند، ۱۳۶۶: ۱۲۷). و باز متأسفانه امروزه از سرنوشت آن اطلاعی در دست نیست. تنها مجسمه‌ای که امروز از وی در معرض بازدید عموم قرار دارد، مجسمه کوچکی از یکی از الهه‌ها و اساطیر باستانی است که امروزه در موزه شرق نزدیک (واقع در شهر ایروان) در معرض بازدید همگان قرار دارد. در پایه این مجسمه عبارت زیر نقل شده است:

«... میرزاعلی‌اکبر حجار شاگرد مدرسه مبارکه دارالفنون از شاگردان...»^۱

علی‌اکبر حجار که غالباً در دوره سلطنت ناصرالدین‌شاه به خدمات حجاری در شهرهای ایران مأمور می‌شد، از قرار معلوم در اوایل سلطنت مظفرالدین‌شاه برای مدت کوتاهی در مدرسه دارالفنون هنر حجاری را تدریس کرد. چنانچه در سالنامه سال ۱۳۱۴ق (ص ۴۷) نام هفت نفر به‌عنوان متعلمین (شاگردان) نقاشی و حجاری در مدرسه دارالفنون قید شده

۱. از سرکار خانم دکتر نسیم محمدی که این مجسمه را در موزه ایروان شناسایی و به نگارنده نیز معرفی کرد، کمال امتنان را دارم.

علی اکبر حجار
صاحب
کارگاهی خصوصی
یا شاید کارگاهی
در مدرسه
دارالفنون بود
که در آن
مجسمه‌سازی
می‌کرد

که به نظر می‌رسد وظیفه تدریس به شاگردان حجاری بر عهده او بوده است. ضمناً وی در این سال‌ها به‌عنوان یکی از اعضای مدرسه دارالفنون، موجب دریافت می‌کرد؛ چنانچه در سال ۱۳۱۶ق چهل تومان موجب به او تعلق گرفته است.^۱

همچنین او در سال ۱۳۱۵ق صاحب کارگاهی خصوصی یا شاید کارگاهی در مدرسه دارالفنون بود که در آن مجسمه‌سازی می‌کرد. میرزا علی محمدخان سرتیپ در این خصوص نوشته است:

«کنون... میرزا علی اکبر حجار در طهران هست که نکات دقیقه در مجسمه‌سازی‌اش جالب دقت نظر اهل صنعتی و هنر است.» (روزنامه تربیت، ۱۳۱۵).

یادداشتی بدون تاریخ از میرزا علی خان امین‌الدوله به میرزامهدی خان وزیر هما یون در دست است که از فعالیت‌های مجسمه‌سازی علی اکبر حجار در دوره مظفری چنین گزارش شده است:

«قربانت گردم... درباب مجسمه، گویا غلط عرض کرده‌اند. خدمت جناب اشرف مشیرالدوله است و نزد میرزا علی اکبر حجار قالب آن هست. خودش هم سنگی در کمال امتیاز تراشیده است. اگر بخواهید و فرمایش کنید البته حاضر خواهد کرد» (روشنی زعفرانلو و افشار، ۱۳۸۹: ۲۸۵).

در سالنامه‌های دوره مظفری از سال ۱۳۱۷ تا سال ۱۳۲۳ق (سالنامه ۱۳۱۷ق، ص ۴۶۵؛ سالنامه ۱۳۲۱ق، ص ۵۹؛ سالنامه ۱۳۲۳ق، ص ۵۶)، نام علی اکبر حجار با عنوان «عالی‌جاه» و یکی از صاحب‌منصبان و معلمین مأمور به خدمت از سوی مدرسه دارالفنون و وزارت علوم قید شده است. بی‌گمان این امر حاکی از آن است که این هنرمند از سال ۱۳۱۷ق به بعد همچون گذشته به فعالیت‌های حجاری در خارج از مدرسه دارالفنون مشغول بوده است.

برخی از قدما نظیر رسام ارژنگی و به تبعیت از وی کریم‌زاده تبریزی و حتی رویین پاکباز معتقدند که: «میرزا علی اکبر حجار با کمال‌الملک به اروپا رفته و صنعت تصویر و مجسمه‌سازی را در فرانسه تکمیل نموده و با دست پُر به ایران بازگشته است» (ارژنگی، ۱۳۲۷: ۳۶؛ کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۶۳: ۳۷۸؛ پاکباز، ۱۳۸۷: ۳۵۹).

درباره این اظهار نظر باید گفت که تا به حال نه‌تنها هیچ سند موثقی از فرانسه رفتن علی اکبر حجار گزارش نشده است،

و افسوس که تاکنون از علی اکبر حجار اطلاع داریم، حجاری باغ و عمارت سردار افخم^۲، واقع در منطقه امیریّه تهران است که ظاهراً از سال ۱۳۱۳ تا سال

۱. سند صورت اسامی رؤسا و شاگردان مدرسه دارالفنون، نسخه خطی، کتابخانه ملی ایران، به شماره ۳۶۵۶۲۱۰، ۱۳۱۶ق، ص ۱۲.

۲. آقابالاخان وکیل‌الدوله سردار افخم، از رجال دست‌راست کامران میرزا نایب‌السلطنه بود که مدتی وزارت قورخانه را برعهده داشت. وی در سال ۱۳۲۷ق به قتل رسید.

یکی از معروف ترین
آثار حجاری
میرزاعلی اکبر حجار،
به نام بند بریده،
در امتداد راه
لاریجان آمل
واقع است

۱۳۲۷ق طول کشید، اما مطالبات آن هیچ‌گاه به‌درستی پرداخت نشد. از این رو تا سال ۱۳۳۴ق شکایت بر سر مطالبات آن بین وراث آن‌ها تداوم داشت.^۱ چنانچه در سندی در این خصوص چنین نقل شده است:

«میرزاعلی اکبر حجار در قورخانه اجزای وکیل الدوله سردار افخم بود و او کار کرده است برای حجاری آن عمارت...»^۲

گفتنی است که علی اکبر حجار، نقاشی را به شیوه عینی‌گرایی و رئالیسم انجام می‌داد که شمایل عبدالله خان اتابک از آن جمله محسوب می‌شود که امروزه در مجموعه ادیب برومند نگهداری می‌شود (ادیب برومند، ۱۳۹۲: ۶۶).

میرزاعلی اکبر حجار سرانجام پس از سال‌ها خدمات هنری شاخص در سال ۱۳۳۳ق در تهران درگذشت و متأسفانه در تاریخ هنر ایران به محاق فراموشی سپرده شد. بی‌گمان از معروف‌ترین حجاری‌های وی باید به حجاری بند بریده و سنگ مزار مهدعلیا و حتی مشارکت در حجاری سنگ قبر ناصرالدین‌شاه اشاره کرد که اکنون به شرح آن می‌پردازیم.

■ حجاری بند بریده

یکی از معروف‌ترین آثار حجاری میرزاعلی اکبر حجار، به نام بند بریده، در امتداد راه لاریجان آمل واقع است که حجاری آن از اواخر سال ۱۲۹۱ تا سال ۱۲۹۵ق طول کشید. این حجاری که به فرمان ناصرالدین‌شاه و برای احداث عملیات راه‌سازی جاده مازندران و تردد آسان از آن راه صعب‌العبور انجام شد، شامل حجاری بزرگی به ابعاد ۴/۴ در ۸ متر و فرورفتگی آن از لب کوه به اندازه ۱۳۰ سانتی‌متر است. گفتنی است که بلندی این حجاری، از کف فعلی جاده تا زیر نقش ۲۷۰ سانتی‌متر است.

در این حجاری، ناصرالدین‌شاه سوار بر اسب وسط قرار دارد و ۱۰ تن از صاحب‌منصبان آن عصر در طرفین وی با لباس رسمی سرداری به‌صورت ایستاده نمایان هستند. بالای سر هر یک از همراهان شاه، اسم آن‌ها در یک قاب ترنجی، نقاری شده و اشعاری در مدح شاه و فرمان احداث این راه در طرفین حجاری نیز ثبت شده است. بالای سر ناصرالدین‌شاه، عبارت «السلطان ممالک ایران ناصرالدین‌شاه قاجار» نقاری شده و اسامی درباریان از راست به چپ بدین قرار است:

«نواب وجیه‌الله میرزا، مقرب‌الخاقان آجودان مخصوص (رضاخان اقبال السلطنه عکاس‌باشی)، جناب وزیر فواید (حسن‌علی خان امیر نظام گروسی)، جناب مستطاب سپهسالار اعظم

۱. اسناد این شکایت که از سوی ورثه میرزاعلی اکبر حجار تا سال‌های ۱۳۳۳ و ۱۳۳۴ق جریان داشت، امروزه به‌شماره ۴۱۴۲-۳۶۰ در اسناد کتابخانه ملی ایران محفوظ است.
۲. اسناد کتابخانه ملی ایران، به‌شماره ۴۱۴۲-۳۶۰، برگ ۲۵.

میرزا حسین خان سپهسالار اعظم)، جناب جلالت‌مآب وزیر داخله آقا (میرزا یوسف خان مستوفی الممالک)، نواب نایب‌السلطنه امیرکبیر (کامران میرزا)، اعتضادالسلطنه (شاهزاده علی‌قلی میرزا)، جناب معتمدالممالک (علی‌رضا خان)، جناب امین‌الممالک (علی‌خان)، مقرب‌الخاقان مهدی‌قلی خان (مجدالدوله)».



زیر حجاری اسب ناصرالدین شاه نیز رقم «عمل کم‌ترین علی‌اکبر فی سنه ۱۲۹۵» مشاهده می‌شود که حاکی از اجرای آن از سوی علی‌اکبر حجار است.





به نظر می‌رسد طرح اصلی این حجاری بر اساس تابلوی میرزا جعفر زنجانی که از دوستان و هم‌کلاسی‌های میرزا علی اکبر حجار در دارالفنون بود، گرفته شده باشد. می‌دانیم که میرزا جعفر در سال ۱۲۹۱ ق تابلویی از ناصرالدین شاه سوار بر اسب در ابعاد بزرگ ترسیم کرد که عکس آن تابلو در همین صفحه وجود دارد. این تابلو گویا در سه لت بزرگ است که در دو لت کناری آن، قطعه شعری در ۱۸ بیت درج شده است. این قطعه شعر از سوی سام میرزا شمس الشعرا و به دستور اعتضاد السلطنه در سال ۱۲۹۱ ق سروده شده است.

علی اکبر حجار دقیقاً مشابه همین تابلو را برای حجاری بند بریده استفاده کرده که شمایل‌ها، ظرافت کاری‌ها و لباس‌ها را با کیفیتی نازل ارائه داده است. از مقایسه قسمتی از این حجاری با نقاشی می‌توان به این نکته پی برد.



همچنین گفتنی است که مشابه تابلو، همان ۱۸ بیت سرودهٔ سام میرزا شمس الشعرا پیرامون این حجاری، نقاری شده است

از قرار معلوم تاریخ شروع این حجاری به اواخر سال ۱۲۹۱ ق برمی گردد که مخارج آن به خزانهٔ دولت حواله شد. چنانچه در سندی محفوظ در اسناد بیوتات کتابخانهٔ ملی ایران، به تاریخ ذیقعدۀ ۱۲۹۱ دربارهٔ پرداخت برات حجاری مزبور چنین درج شده است:

«فدایت شوم. برات یک صد و پنجاه و شش تومان به علت مخارج لازمهٔ حجاری تمثال بی مثال همایون در راه لاریجان به خزانه حواله شده. لکن مقرب الخاقان معیر الممالک ایراد کرده که قسط اول آن را معین نفرموده اند. لهذا برات را مصوب خود میرزا علی اکبر حجار باشی در سال نموده، زحمت می دهد که چون مشارالیه مدتی است مرخص شده و باید هر چه زودتر به سر کار خود برود، لطف فرموده برات را به لحاظ انور اقدس همایون برسانید که قسط آن را معین فرمایند که زیاد بر این معطل نشود.»^۱

نحوهٔ پرداخت مبالغ مالی برای اجرای این حجاری از قرار معلوم با وقفه و معطلی زیادی انجام می شده است. چنانچه حسن علی خان امیر نظام گروسی (وزیر فواید ایران در آن زمان) در نامه‌ای به تاریخ ۴ جمادی الثانی ۱۲۹۲، دربارهٔ حجاری این اثر و دلیل وقفهٔ آن چنین نوشته است:

«دو ماه متجاوز است که میرزا علی اکبر حجار باشی برای اخذ دریافت مخارج لازمهٔ خودش و اجرت عمله به تهران آمده و در حالتی که خود کمترین در ایام توقف دارالخلافه برات مخارج او را تمام کرده و به صحهٔ همایون رسانده بود، از قراری که نوشته است، هنوز هم که هست، وجه برات به او نرسیده و بدین واسطه در آنجا معطل و عمل حجاری تمثال همایون معوق مانده. استدعا آنکه وجه برات او را زودتر برسانند و او را معجلاً روانه فرمایند.»^۲

غلام حسین افضل الملک (۱۳۴۸-۱۲۷۹ ق) در سفرنامهٔ خود به ملازندان، پس از مقایسهٔ این حجاری با حجاری تنگه‌واشی، چنین اذعان داشته است:

«شنبه ۱۳ جمادی الاخر ۱۳۳۲. ناصرالدین شاه در بین منزل امروز در کنار رودخانهٔ هراز، پهلوی جاده، در طرف دست راست، در دامنهٔ کوهی که نمایان است، امر کرده است که سنگ تراشان صفحه‌ای را مسطح و صافی کرده، صورت او را با چند نفر از مقربان سواره نقاری کرده [که] به شکار می روند. عابرین سبیل بعضی از جوارح سواران را خراشیده و تراشیده‌اند و حک کرده‌اند. سنگ تراشان خوب نقاری نکرده‌اند و شبیه نساخته‌اند. صورت فتحعلی شاه را که در فیروز کوه در تنگه‌واشی با شاهزادگان و امرا و تازیان و پرندگان و شاه‌بازان به حال شکار نقاری کرده‌اند... خیلی بهتر و کامل تر از صورت ناصرالدین شاه نقاری و حجاری کرده‌اند» (افضل الملک، ۱۳۷۳: ۶۵-۶۴).

۱. اسناد کتابخانهٔ ملی ایران، به شمارهٔ ۲۹۵/۸۰۴۷، برگ ۳۰۲.

۲. سند شمارهٔ ۱۵۰۴ ق، محفوظ در اسناد مرکز تاریخ معاصر ایران.

به‌رحال این حجاری با وجود تمام تعریف‌ها و انتقادهای واپسین حجاری بزرگ یا دیوارنگاری سنگی دوره قاجار است که از سوی علی‌اکبر حجار انجام گرفته است. از این رو علی‌اکبر حجار را می‌توان واپسین نسل حجاران ایرانی با آثار حجاری بزرگ قلمداد کرد. گفتنی است که این حجاری در تاریخ ۷ مهر ۱۳۸۱ به شماره ۶۲۷۲ به ثبت ملی رسید.

□ حجاری سنگ قبر مهدعلیا

مهدعلیا، همسر محمدشاه قاجار و مادر ناصرالدین‌شاه، در سال ۱۲۹۰ درگذشت. دربار ناصری مدتی پس از وفات و تدفین وی در صحن حضرت معصومه (ع)، واقع در شهر قم، درصد برآمد که سنگ قبر باشکوهی برای مقبره وی احداث کند. از این رو علی‌اکبر حجار و پدرش حاجی محمدعلی حجار طهرانی برای این منظور برگزیده شدند.



جالب است این جریان زمانی اتفاق افتاد که به‌سبب عدم وصول و عدم پرداخت مقرری، همچنان حجاری بند بریده به اتمام نرسیده بود و علی‌اکبر حجار در کشاکش دریافت دستمزد و دریافت مبلغ برای اتمام آن حجاری، در جاده تهران به مازندران مرتب در تردد بود.

بر مبنای اسناد موجود (نویسی، ۱۳۸۳: ۳۳۶-۳۳۳)، درباره این سنگ قبر باید گفت که مقدمات حجاری آن از اوایل سال ۱۲۹۴ ق آغاز شد و در سال ۱۲۹۶ ق، با حمایت علی‌رضاخان عضدالملک قاجار به اتمام رسید.

سنگ قبر مهدعلیا طی توافق‌نامه‌ای، در صفر سال ۱۲۹۴ توسط حاجی محمدعلی حجار و نظارت و مواظبت محمدحسین بیگ نایب از معادن قزوین با عراده به قم برده شد و با طراحی و نقشه‌ای از پدر و پسر، توأم با شعری از سام‌میرزا شمس‌الشعرا و خوش‌نویسی



میرزاغلامرضا اصفهانی (متوفی ۱۳۰۴ق)
حجاری شد.

بی گمان این سنگ قبر یکی از شاهکارهای ظریف حجاری قبرهای دوره قاجار است که حاشیه‌های کلی از اسلیمی و گل دارد و شامل دو قسمت است: قسمت بالای سنگ قبر، دو فرشته نگهبان ترسیم شده‌اند که یک کادر بیضی به قلم جلی نستعلیق را در دست دارند و بر آن عبارت «هوالحی الذی لایموت» نقل شده است. در حاشیه پایینی به خطی ریز، عبارت «به حُسن مراقبت جناب جلالت‌مآب عضدالملک علی‌رضاخان قاجار، دام مجده‌العالی، اتمام یافت» مشاهده می‌شود.

گفتنی است که در دو سوی دو فرشته، نقش‌های اسلیمی گل‌داری به شکل برجسته نقاشی و تراشیده شده‌اند.

بخش پایینی سنگ شامل سه قسمت است: در قسمت نخست، حاشیه بیرونی شامل متن عربی دعای منظوم چهارده معصوم به خط رقع است که در میان ابیات (در آذین‌های مدور) عباراتی چون: یا غفار، یا ستار و... نقش بسته است. در حاشیه داخلی، تصویرهای متفاوتی از فرشته‌های بال‌دار مشاهده می‌شوند که به شیوه فرنگی پرداخت و اجرا شده‌اند. بخش میانی و اصلی سنگ شامل ماده تاریخ وفات مهدعلیا به صورت هفت بیت شعر از سام‌میرزا شمس‌الشعرا است که بر زمینه‌ای زیبا و ظریف از اسلیمی تراشیده شده است.



در میان بیت سوم و چهارم به خط ریز در یک کادر بیضی عبارت «کتبه العبد» و در میان بیت چهارم و پنجم عبارت «غلامرضا سنه ۱۲۹۶» در یک کادر بیضی حکاکی شده است.



در پایین سنگ قبر نیز دو فرشته، کتیبه‌ای را با هر دو دست خود به صورت طومار گشوده‌اند که بر آن عبارت: «عمل حاجی محمدعلی حجار طهرانی و میرزا علی اکبر حجار»، ولد مشارالیه ثبت شده است.



این سنگ قبر امروزه در موزه آستان حضرت معصومه (ع) در قم به شماره ۲۰۹۸ محفوظ و ابعاد آن ۱۹۱ در ۱۰۷ سانتی‌متر و ضخامت آن نیز ۱۲ سانتی‌متر است.^۱

۱. روزنامه شفق کاشان، ۱۳۵۰/۸/۲۷، شماره ۶۱۷.

■ سنگ قبر ناصرالدین‌شاه

ناصرالدین‌شاه در تاریخ ۱۷ ذیقعدۀ ۱۳۱۳ ترور شد. بعد از وفات وی دربار مظفرالدین‌شاه درصدد برآمد که سنگ قبری فاخر و شاهانه برای مزار وی در شهر ری تدارک ببیند. این سنگ قبر طی مدت زمان زیادی و ظاهراً با فعالیت چند حجار به اتمام رسید.

حجاری این سنگ مزار مرغوب و نفیس که از یزد به تهران آورده شد و در کارگاهی نزدیک صحن مقبره حضرت عبدالعظیم (ع) واقع در شهر ری در اختیار حجاران گذاشته شد، از سال ۱۳۱۹ تا ۱۳۳۲ ق طول کشید. در نهایت هم به کوشش دختر ناصرالدین‌شاه یعنی بانو عظمی (۱۳۵۴-۱۲۷۳ق) به اتمام رسید و روی مزار شاه نصب شد. چنانچه عین‌السلطنه در خاطرات خود به تاریخ ۱۳۳۲ ق در این زمینه چنین نوشته است:

«باری حکایتی بود. داستانی بود که چشم هیچ بیننده و گوش هیچ شنونده ندیده و نشنیده. آن هم آخر کارش که مملکت ایران را به این روز انداخت. در عدم لیاقت و هنر و استعداد او، همین بس که در ظرف چهارده سال سلطنت خودش و اتلاف سیصد چهارصد کرور پول، سنگ قبر پدرش را نتوانست درست کند و بگذارد که آخر بانوی عظمی دختر ناصرالدین‌شاه سنگ قبر را حجاری کرده و گذاشت. در صورتی که برای حجاری سنگ ده مرتبه هم پول داد، خوردند و درست نکردند» (عین‌السلطنه سالور، ۱۳۷۶، ج ۵: ۴۷۸-۴۷۷).

این سنگ قبر مرمر اعلا که خوش‌بختانه امروزه از گزند تطاول و سرقت و تخریب جان سالم به‌در برده است، امروزه در کاخ گلستان و زیر قابی شیشه‌ای نگهداری می‌شود. ابعاد آن ۱۳۱/۵ در ۲۴۹ سانتی‌متر است که تصویر ناصرالدین‌شاه با یونیفورم نظامی و حمایل روی سینه و کلاه‌هی با جقه بر سر و شمشیری در دست چپ، در حدود ابعاد طبیعی روی آن حجاری شده است. در اطراف سر ناصرالدین‌شاه دو فرشته نگهبان و زیر پای شاه، سر شیری با دهان باز ترسیم شده است.

در کل حاشیه سنگ قبر، نقش‌هایی از گل و گیاه و مهره‌های تسبیح‌مانند و فرشتگانی در ابعاد خیلی کوچک نقاری شده‌اند. شعری طولانی نیز پیرامون این حواشی درج شده است. آنچه بیشتر درباره این سنگ مزار مورد بحث است، رقم و امضای آن است. پایین سنگ و کنار پای راست ناصرالدین‌شاه عبارت «عمل استاد عباس‌قلی حجار» نقاری شده است.

غلام‌علی عزیزالسلطان ملیجک در خاطرات خود از حجاری این سنگ قبر صحبت کرده، اما نامی از حجار آن نبرده است. یادداشت وی از این قرار است:

«روز جمعه ۱۰ ذیحجه ۱۳۱۹ رسیدیم به شاهزاده عبدالعظیم. رفتیم سر مقبره مرحومه امین‌اقدس فاتحه خواندیم. بعد از آنجا رفتیم. از دم آلاچیق چوبی که برای حجاری سنگ شاه شهید بعد ساختند رفتیم مشرف شدیم فاتحه خواندیم... چهارشنبه ۱۵ رجب ۱۳۲۱ رفتیم به حضرت عبدالعظیم مشرف گردیدیم. بعد از

آن رفتیم آن اتاق چوبی که در آن سنگ مرقد شاهنشاه شهید را حجاری می‌کنند» (میرزایی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۱۲۴ و ۵۱۲).

اگرچه ملیجک در خاطرات خود از حجاری این سنگ قبر یادی نکرده است، اما دو ماه پس از گزارش وی، در خاطرات محمدعلی فروغی اشاره‌ای مختصر به این سنگ قبر و حجاری آن، یعنی میرزاعلی‌اکبر حجاری می‌شود که گزارش مزبور بدین قرار است:

«شنبه ۲۷ شوال ۱۳۲۱. برای سنگ قبر ناصرالدین‌شاه مذکور صورت ناصرالدین‌شاه را ساخته‌اند. حجاری آن میرزاعلی‌اکبر نامی است. می‌گویند در این صنعت مهارت دارد. از حجاری که شنیدم مباشر سنگ امیرالامرا است. نمی‌دانم کیست. صورت شاه را از کارهای کمال‌الملک گرفته و دور آن طبقات رجال ناصرالدین‌شاه را می‌سازند. می‌گویند تابه‌حال سی هزار تومان خرج آن شده است» (فشار، ۱۳۸۸: ۲۹).

اما حجاری این سنگ قبر که از سال ۱۳۱۹ق آغاز شده بود تا سال‌ها بعد نیز طول کشید. در کتاب «مرآت‌الوقایع مظفری» درباره این سنگ قبر چنین قید شده است:

«آن بقعه را به انواع بلور و آینه زینت دادند و وقفیات برای مخارج آنجا [را] شاه معین کرد و یک تخته سنگ مخصوصی از مرمر که خوارها وزن داشت و در راه چندنفر را کشت، از یزد به تهران آورده، حجاری قابلی صورت تمام شاه شهید را بر آن نقاری کرد. امسال که سال ۱۳۲۳ هجری است هنوز آن سنگ ناتمام است» (ملک‌المورخین، ۱۳۸۵، ج ۱: ۶۱).

این سنگ قبر که با حجاری میرزاعلی‌اکبر حجاری آغاز شده بود، گویا طی دوره مظفرالدین‌شاه و محمدعلی‌شاه آن‌قدر با وقفه مواجه شد که در نهایت با همت بانو عظمی و مساعدت استاد عباس‌قلی حجاری به اتمام رسید. در این زمینه از قول میرزاعلی‌اکبر خان نقاش‌باشی چنین نقل شده است:

«سنگ قبر را اول میرزاعلی‌اکبر [حجاری] شروع کرد، اما دیگران [عباس‌قلی حجاری] به اتمام رساندند» (ارژنگی، ۱۳۲۷: ۳۶).

شاید قسمت‌های اندام و صورت مطابق با نوشته محمدعلی فروغی از سوی علی‌اکبر حجاری انجام شده و قسمت‌های نهایی و گل و بوته‌ها را عباس‌قلی حجاری تکمیل کرده باشد. جالب است که در روزنامه اطلاعات (۱: ۱۳۱۱)، حجاری سنگ قبر ناصرالدین‌شاه، استاد محمدحجاری‌باشی زنجانی (پدر حسین‌خان زنجانی حجاری‌باشی، حجاری کاخ سعدآباد تهران و مقبره فردوسی) ذکر شده است.

به‌هرحال این سنگ قبر چه از سوی علی‌اکبر حجاری و چه با مشارکت دیگر حجاریان انجام شده باشد، امروزه در زمره شاهکارهای حجاری و سنگ‌تراشی ایران در دوره قاجار تلقی می‌شود.

۱. در یادداشت‌های علیاصغرخان تلگرافچی خرم‌آبادی (نسخه خطی، کتابخانه مجلس، ۱۳۱۱ق، به‌شماره ۱۲۸۹۷، ص ۴۴، ۴۶، ۴۸ و ۵۰) از وی نام برده شده است. همچنین در صفحه ۴۴ از همان کتاب خطی از وی با عنوان: «استاد عباس‌قلی سنگ‌تراش، آدم حضرت اجل صدراعظم» سخن رانده شده است.

منابع

۱. کریم‌زاده تبریزی، محمدعلی (۱۳۶۳). احوال و آثار نقاشان قدیم ایران (ج ۱). لندن.
۲. روزنامه دولت علیه ایران، نمره ۵۸۲، پنجشنبه ۲۱ رمضان ۱۲۸۲.
۳. روزنامه مریخ، نمره ۱۸، چهارشنبه ۱۶ جمادی‌الثانی ۱۲۹۷ / ۲۶ می ۱۸۸۰.
۴. ممتازالملک، مرتضی‌خان (۱۳۳۵ ق). نظامنامه و کاتالوگ موزه ملی ایران. مطبعه برادران باقرزاده. تهران.
۵. سپهرم، امیرمسعود (۱۳۴۱). تاریخ برگزیدگان. [ابی‌نا]. تهران.
۶. ادیب برومند، عبدالعلی (۱۳۶۶). هنر قلمدان، انتشارات وحید. [ابی‌جا].
۷. سالنامه ۱۳۱۴ ق؛ سالنامه ۱۳۱۷ ق، ص ۴۶۵؛ سالنامه ۱۳۲۱ ق، ص ۵۹؛ سالنامه ۱۳۲۳ ق، ص ۵۶.
۸. روزنامه تربیت، نمره ۹۵، پنجشنبه ۲ محرم ۱۳۱۵.
۹. روشنی زعفرانلو، قدرت‌الله و افشار، ایرج (۱۳۸۹). اسناد تاریخی خاندان غفاری (ج ۳). موقوفات افشار. تهران.
۱۰. ارزنگی، رسام (۱۳۲۷). «نقاشی در ایران». مجله اطلاعات ماهانه. شماره ۴. سال اول.
۱۱. پاکباز، رویین (۱۳۸۷). دایرةالمعارف هنر. انتشارات فرهنگ معاصر. تهران.
۱۲. ادیب برومند، عبدالعلی (۱۳۹۲). نگارستان ادیب. انتشارات گل‌دسته. اصفهان.
۱۳. ناصرالدین‌شاه (۱۲۹۴ ق). روزنامه سفر مازندران. دارالطباعة دولتی. چاپ سنگی. تهران.
۱۴. (۱۳۹۹). روزنامه خاطرات ناصرالدین‌شاه از ۱۲۹۱ تا ۱۲۹۳ ق. به‌کوشش مجید عبدامین. موقوفات افشار. تهران.
۱۵. روزنامه ایران، نمره ۲۷۲، یکشنبه ۲۷ ذی‌قعدة ۱۲۹۲.
۱۶. اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان (۱۳۸۵). خاطرات اعتمادالسلطنه. به‌کوشش ایرج افشار. انتشارات امیرکبیر. تهران.
۱۷. اورسل، ارنست (۱۳۸۲). سفرنامه قفقاز و ایران. ترجمه علی‌اصغر سعیدی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. تهران.
۱۸. عین‌السلطنه سالور، قهرمان‌میرزا (۱۳۷۶). خاطرات عین‌السلطنه (ج ۱). انتشارات اساطیر. تهران.
۱۹. افضل‌الملک، غلامحسین (۱۳۷۳). رکن‌الاسفار. به‌کوشش حسین صمدی. دانشگاه آزاد اسلامی قائم‌شهر.
۲۰. نوایی، عبدالحسین (۱۳۸۳). مهدعلیا به روایت اسناد. انتشارات اساطیر. تهران.
۲۱. قلیچ‌خانی، حمیدرضا (۱۳۹۲). شاهکاری از میرزاغلام‌رضا اصفهانی (سنگ مزار مهدعلیا). ضمیمه نامه بهارستان (ویژه‌نامه خوش‌نویسی).
۲۲. میرزایی، محسن (۱۳۷۶). روزنامه خاطرات عزیزالسلطان ملیحک ثانی (ج ۱). انتشارات زریاب. تهران.
۲۳. افشار، ایرج (۰). یادداشت‌های روزانه از محمدعلی فروغی. انتشارات مجلس. تهران.
۲۴. ملک‌المورخین، عبدالحسین (۱۳۸۵). مرآت‌الوقایع مظفری (ج ۱). به‌کوشش عبدالحسین نوایی. انتشارات میراث مکتوب. تهران.
۲۵. ارزنگی، رسام (۱۳۲۷). «نقاشی در ایران». مجله اطلاعات ماهانه. شماره ۴. سال اول. تیرماه.
۲۶. روزنامه اطلاعات، سال ۷، شماره ۱۷۴۳، یکشنبه ۸ آبان ۱۳۱۱.